

سال دوم دوره دوم

رنجبر

ارگان حزب رنجبران ایران

سهشنبه ۱۹ فروردین ماه ۵۹ شماره ۳۸ تکشماره ۱۰ ریال

مسئله گروگانها

مبارزه میان دو سیاست

مسئله اینکه گروگانهای به حادثترین مسئله مورد دعوی آمریکا در دست چه کسی باشد میان جناحهای حاکمه تبدیل

جنگ افروزی در کردستان محکوم است!

درگیریهای اخیر در آذربایجان غربی و مناطق مختلف کردستان که ناشی از مسائل حل نشده در منطقه میباشد، مسائلی که از ابتدای انقلاب به ویژه در کردستان روی هم انباشته شده و برای حل صحیح آنها اقدام قاطع و بیگیری انجام نکرده (نگردیده) که هنوز خود را بصورت درگیریهای مختلف در گوشه و کنار بروز میدهد. خلق کرد از خود میپرسد: عوامل این درگیریها چه هستند و نتایج این برخوردها چیست و بفتح کیست؟ خلق کرد همچون تمام خلق های ایران که یک دوران طولانی ستمدیدی را پشت سر دارد، پس از انقلاب خواستار رفع ستم و ظلم نسبت به خود گردید و این یکساله نشان داده کردستان محل برخورد سیاستهای نادرست و اشتباه آمیز دولت ونیروها از یکطرف و سوء استفاده و گسترده شدن سیاستهایی که منافع خلق مد نظرشان نبوده است از طرف دیگر میباشد.

تجربهای اخیر نشان داده است، جنگ و درگیری کلید حل مشکلات و نابسامانیهای خلق کرد نیست. اگر از طرفی جناحهای وابسته به بیگانه در درون خلق کرد بغلت جواب ندادن دولت به خواستهای بحق خلق کرد سوار بر خواستهای خلق شده و خلقی را در مقابل دولت قرار داده و از طرف دیگر جناحهایی از دولت حل مسئلهی کردستان را از طریق اعمال شیوههای سرکوبگرانه میدانستند که باعث رو در رویی خلق کرد با دولت گردید و این نه تنها مسائل

«سنقر آباد» میانه دست متجاوزین به ناموس دهقانان کوتاه! در صفحه ۳

اخراج کارگران زحمتکش را متوقف کنید!

بحران بیکاری موجود در کشور ما، با ردیگر با اخراج دسته جمعی بسیاری زکارگران ابعاد خطرناکی یافته است. برطبق شواهد و گزارشات فراوان همزمان با پایان گرفتن سال گذشته، موج اخراجهای دسته جمعی بدست سرمایه داران، با کمک ویاری قوانین ضد کارگری و سکوت مسئولین دولتی، انجام گرفته

است. اخراج، بیکاری و بی توجهی به حقوق زحمتکشان، واکنش بحق آنان را برانگیخته و دامنه اعتصابات، تحصن ها و اعتراضات کارگران را که با مرگ و زندگی دست بگیرینا نندگسترش فوق العاده ای داده است. در مقابل، سرمایه داران و مسئولین دولتی و حاکمان قوانین ضد کارگری که خود عامل ایجاد بقیه در صفحه ۲

مردم از بنیاد مسکن چه میخواهند؟

متقاضیان زمین از بنیاد مسکن در روزهای شنبه و یکشنبه ایر گرفته در جلوی ساختمان بنیاد مسکن جمع شده بودند. البته نه برای اعتراض و یا تحصن. اجتماع کنندگان خانواده های زحمتکش و بی مسکن طبعی آباد و گود نشینهای جنوب شهر بودند که یکسال قبل تقاضای نام داده بودند و سرنوشت خود و نتیجه برویایی یکساله به این دروازه در راه تکه کاغذی بنام پرسشنامه بسته بودند و حالا زن و مرد، پیر و جوان در اطراف محوطه بنیاد منتظر میباشند. یکسال است که ما را معطل کرده اند. چرا کار را موفق شده اند خود را به نزدیک

سیاست تفرقه در خدمت ابرقدرتها است

دولت عراق مدعی شد که جزایر تنب بزرگ و کوچک و ابوموسی از آن ایران نیست. سه جزیره فوق الذکر را ایران از کشورهای عربی نگرفت بلکه از جنگ انگلیسها بیرون آورد. خود دولت عراق هم حتما میداند که ادعاهایش بوج است زیرا همین رژیم وقتی که در سال ۱۳۵۱ در الجزایر با رژیم مغفور شاه بر سر اختلافات مرزی و کردستان عراق ساخت و پاخت کرد، تاسرتگونی رژیم شاه مخلوع کمترین حرفی علیه رژیم شاه در مورد این سه جزیره نزده است. و حالا همین بعضی ها حاکمیت جمهوری اسلامی ایران برای جزایر اعتراض دارند. دولت عراق بخوبی میداند بقیه در صفحه ۲

سوسیال - امپریالیسم شوروی: استعمارگر جهان سوم ارزان خریدن گران فروختن در صفحه ۴

سیستم بانکی باید در خدمت رشد اقتصاد ملی باشد

طرح جدید بانک، خست اما شد

خلق کرد را حل نکرد بلکه بر آن افزوده و از طرف دیگر باعث رشد عوامل وابسته گردید، امروز دوباره زبیه‌هایی مبنی بر ایجاد امنیت و رفاه بوسیله جنگ به گوش میرسد که درگیریهای اخیر آغاز آن میتواند باشد و بروشنی معلوم است که این سیاستها به شکست خواهند انجامید. چرا که بجای تکیه بر خلق کرد و نیروهای مستقل منطقه، رفع مشکلات بوسیله تفاهم و وحدت با آنها در صد سرکوب و تکیه بر جناحهای وابسته به بیگانه، سیاستهای خود را میخواهد جلو ببرد، اگر آقای رئیس جمهور بر خط درست استقلال طلبانه بر ضد دو ابر قدرت تکیه میکند، باید بدانند حل مسئله کردستان از مبارزه بر علیه دو ابر قدرت و عوامل وابسته به آنها در منطقه میگذرد.

چرا خلق کرد و نیروهای مستقل منطقه بپای میز تفاهم و مذاکره خوانده نمیشوند لکن عناصر وابسته به بیگانه، فرصت تبلیغات و استفاده از منابع خلق می یابد؟ خلق کرد نشان داده است که از هر نوع وابستگی به بیگانه بیزار است و در این راه مبارزه خونینی را ادامه میدهد. خلق کرد نشان داده است که از جنگ بیزار است لکن برای بدست آوردن خواستههای بحق خود بر مبارزه اصولی پافشاری خواهد کرد، اما در این میان باید حساب عوامل وابسته به بیگانه را جدا کرد و آنها را از میان خلق افشاء و طرد نمود.

حل مسئله کردستان از طریق اعمال شیوههای سرکوبگرانه نمیتواند باشد، حل مسئله کردستان در رابطه تنگاتنگی با استقلال ایران است و این خود مبارزهای قاطع و همه گیر بر علیه امپریالیسم آمریکا و روسیه و عوامل وابسته به آنها در هر منطقه را طلب میکند. نیروهای مستقل منطقه میبایست از منافع خلق حرکت کرده و قربانی زد و بندهای آنی نگردیده و جهت مبارزه خود را همراه با تودههای زحمتکش کرد بر علیه ابر قدرت ها و عوامل مزدورشان بکشانند. هرگونه سیاست و عملی که باعث جنگ در میان خلق گردد محکوم است. نه تنها نمیتواند مسئله کردستان را حل نماید بلکه انقلاب و استقلال ایران را مورد ضربه قرار داده و این تنها بنفع بیگانگان و عوامل مزدورشان تمام خواهد شد. ما خواستار قطع فوری درگیریها و اعمال شیوههای سرکوبگرانه هستیم و حل مسئله کردستان را در چارچوب مذاکره دولت با خلق کرد و نیروهای مستقل منطقه میدانیم و هرگونه مذاکره با عوامل بیگانه و استفاده از مزدوران زیر هر پوششی را محکوم میکنیم.

نه آمریکا، نه روسیه، زنده باد ایرانی مستقل و متکی به خود!
استقلال برای ایران، خودمختاری برای کردستان!
مرگ بر هر نوع وابستگی به بیگانه!

حزب رنجبران ایران (بخش کردستان)
۱۳۵۹/۱/۱۸

کوبا: عاقبت وابستگی

یکی از اعضای حزب رنجبران ایران که سالها قبل، در اوج شهرت انقلاب کوبا به کوبا رفته و مدتی در آنجا بسربرد و با رهبران انقلاب کوبا تماس داشت، درباره مسائل اخیر کوبا نوشته زیر را در اختیار رنجبر گذاشته است.

خبرگزارها وانانسا یا بیعت کوبا گزارش میدهند که یکشنبه هفدهم فروردیسین تعداد ده هزار نفر از مردم کوبا به سفارت پروردرها و انانسا میبرند و زد دولت پروتفامای پناهدگی سیاسی میکنند. طلی همی گزارشات بعلمت پورندن محوطه سفارت پرورد مردم از درجنهای باغ سفارت بالا

میروند، و دولت پرورد را بین مورد ز کشورهای جهان کمک خواسته است. در سالهای گذشته نیز دهها هزار کوبایی فرار کرده و در کشورهای دیگر آمریکا لاتین و یا آمریکا شمالی بسر میبرند. وابستگی به سوری چه عاقبت وخیمی را برای کوبا ببار آورده است. خبریناهنده شدن هزارها کوبایی به سفارت پروردرها و انانسا برای فرار از کوبا نکان دهنده است. انقلاب کوبا چه نویدی به مردم جهان سوم داد. هنگامیکه قهرمانان کوههای سیرامبسترا بقیه در صفحه ۴

ولسطه انحصاری بر قدرت سیاسی، تمام یزنگداشتن میسکان امپریالیستهای درجه چهار ابر قدرتها و اروپا و ژاپن را هم طراز آمریکا دیدن و آتش حمله را بختی کردن و منفرد کردن ایسران در صحنه بین المللی، در بییش گرفتن سیاست ما چرا جو یا نه بقیه در صفحه ۲

صدای استعمار از حلقوم باند کیانوری

باند کیانوری در چارچوب تهاجم گسترده سیاسی روسیه در ایران با وقوف به نقشی و اهمیت دستگاه " صدای سیمای جمهوری اسلامی " در تاء نیر گذاشتن و شکل دادن به افکار عمومی، قصد دارد این رکن مهم تبلیغاتی را بطرف مسکو متمایل سازد و بخدمت اسپانیاش درآورد. بهمین خاطر در هفته های اخیر گزارا عوام فریبانه و تحریک آمیزی را علیه کارکنان را دیو تلو بیرون آغاز کرده است و با توسل به شیوه تهمت زنی و ارا عاب گسردن کارکنان صدیق و استقلال خواه که شیوه متداول نوکسران شوسیال امپریالیسم اسکنه سعی دارد گروه خیر " صدای سیمای " را مجبور سازد تا برای تنظیم بخش اخبار ربه " خبرگزاری تاس " دستگاه رسمی دولت روسیه رو آورده و وقایع جهان را از دیدگاه مبلغان و رهبران دولت روسیه برای مردم ایران تشریح کند.

در همین رابطه روس نامه مردم درآین او ا خربط شور متناوب بخشی از صفحات خود را با این مرا ختماس داده است و با تنظیم جدا ولی که نمایانگر استفاده رایونلو بیزیون از منابع خبری غرب در کسار دیگر منابع بین المللی و داخلی است، صدای سیمای را " بلندگوی امپریالیسم و ارتجاع " مینامد و با تحریک و ارا عاب کارکنان این دستگاه میکوشد تا مقصود خود را عملی سازد. افشاء هدف باند کیانوری

تولید ملی با مسائل عمیقتری روبروست

در جهت رفاه خلق حرکت کند. از این سه وظیفه، کمک به رشد اقتصاد ملی و گسترش تولیدات داخلی با ید وظیفه مرکزی سیستم بانکی کشور باشد.

اما بکار انداختن دستگاه بانکی کشور برای بحرکت درآوردن تولیدات ملی تنها با صدور بخشنامه و برگزاری جلسه و مجمع عمومی خاتمه نمی پذیرد بلکه این طرحها به هنگام عملی شدن با مسائل فراوانی روبرو میشوند. یکی از مهمترین این مسائل بوروکراسی عریض و طویل و بی خاصیت بخصوص در هرج و مرج کنونی کشور است. سیستم بانکی برای اینکه بتواند وظیفه مرکزی خود، بقیه در صفحه ۴

ایجاد اشتغال قرار دارد. سیستم بانکی در یک اقتصاد سرمایه داری، در مرکز تنظیم امور اقتصادی قرار دارد. بدون کنترل بانکی نمیتوان صحبت از تنظیم اقتصاد نمود. رژیم مزدور شاه، سیستم بانکی را به ابزاری در جهت خدمتگزاری به منافع امپریالیسم جهانی درآورده بود. اما در شرایط کنونی کارگرد سیستم بانکی باید در خلاف جهت زمان شاه تغییر کند. سیستم بانکی باید در خدمت کسب استقلال اقتصادی و پاسداری از آن باشد. سیستم بانکی باید تمام امکانات خود را برای کمک به رشد و شکوفایی اقتصاد ملی و گسترش تولیدات داخلی بسیج نماید و بالاخره سیستم بانکی باید

کارکنان وزارت کشور خواستار آزادی همکاران خود هستند

اختصار این چنین بیان می کنند: مسئله تصفیه در وزارت کشور که قبل از اسفند ماه صورت گرفت در مجموع مثبت بود ولی رفته رفته یک جریان انحصار طلبی حاکم می شد و یک اقلیت محدودی تمام امور را در دست خود قبضه می کردند. ما می خواستیم یک تشکل دمکراتیک از کارکنان ایجاد کنیم و با وحدت و یک پارچگی به فعالیت خود در ادامه انقلاب بپردازیم. به همین دلیل حدود ۲۷ نفر از کارکنان در روز یکشنبه ۱۲ اسفند ماه ۵۸ در نمازخانه وزارتخانه اجتماع کردیم که با تحریکات معاون مالی و اداری روبرو شدیم و به ناچار در طبقه ششم که دفتر کار وزیر کشور می باشد تحصن کردیم و به اتفاق آراء یک قطع نامه ۷ ماده ای اعلام نمودیم. از طرف دیگر برای بررسی خواستههای ما چند نفر را به عنوان نماینده نزد وزیر فرستادیم که قرار شد در یک جلسه دیگری نتیجه مذاکرات بقیه در صفحه ۴

در حالی که اجتماع کنندگان بر گرد بنی صدر حلقه زده بودند، همسران ۲ نفر از دستگیر شدگان خواستار آزادی شوهران خود شدند و به این اقدام اعتراض کردند. رئیس جمهور پس از مشاهده به موارد اعتراضی و خواستههای آنها وارد وزارتخانه گردید. اعتراض کنندگان با شعارهای " درود بر بنی صدر، مرگ بر انحصار طلبان " و " همکاران زندانی مبارز آزاد باید گردند " متفرق می شوند. بر روی پلاکارتهای آنها همچنین این جملات نوشته شده بود " انحصار طلبی در وزارت کشور را محکوم می کنیم "، " مطبوعات، به دستور وزارت کشور خواستههای به حق ما را منعکس نمی کند " گفتگو با چند نفر از اعتراض کنندگان پس از پایان این اجتماع با چند نفر از اعتراض کنندگان به گفتگو می نشینیم و آنها شرح واقعه را به طور

بد شمال اعتراضات کارمندان وزارت کشور از چند ماه گذشته مبنی بر پایان دادن به اعمال انحصار طلبانه از طرف مسئولین و عدم رسیدگی به مشکلات کارکنان که منجر به دستگیری ۳ نفر از اعضاء " نمایندگان منتخب کارمندان " گردیده بود، یک اجتماع اعتراضی از طرف کارمندان وزارت کشور به هنگام ورود ابوالحسن بنی صدر به وزارت کشور برای شرکت در جلسه استانداران کشور برگزار گردید. اعتراض کنندگان که تعداد آنها به ۸۵ - ۷۰ نفر از کارمندان وزارت می رسید با حمل پلاکارتهایی مبنی بر محکوم کردن مسئولین وزارت کشور، خواستار آزادی فوری دستگیر شدگان می شوند. طبق گزارش خیر نگار رنجبر اعتراض کنندگان که خواستههای خود را با آراش ولی قاطعانه اعلام می نمودند علی رغم تحریکات عده ای از بیرون اجتماع آراش خود را حفظ کرده و هیچ گونه درگیری رخ نداد.



گزارشات شهرستانها

تظاهرات مردم اردبیل در روز جمهوری اسلامی

اردبیل - ۱۲ فروردین - به مناسبت سالگرد جمهوری اسلامی مردم اردبیل با شعار نه شرقی نه غربی جمهوری اسلامی دست به یک راهپیمایی زدند. مردم اردبیل با حمل پلاکاردهایی که بر روی آن نوشته شده بود: "نه آمریکا، نه روسیه، زنده باد ایرانی مستقل و متکی بخود" و "تجاوز نظامی شوروی به افغانستان را شدیداً محکوم می‌کنیم" در این راهپیمایی شرکت کردند. در پایان راهپیمایی قطعنامه‌ای خوانده شد که در آن ضمن محکوم کردن تفرقه افکنان وابسته به ابر قدرتهای شرق و غرب، از رهبری امام خمینی یار دیگر پشتیبانی شده، تجاوز سوسیال امپریالیسم شوروی به افغانستان محکوم گردید و همچنین وحدت و تشکل گروههای مبارز افغانی را تریک گفته و خواستار پیروزی هر چه زودتر خلق مبارز افغانستان شدند.

مردم مشهد :

شوروی، آمریکا دشمن خونخوار ماست

مشهد - ۱۲ فروردین - صدها هزار نفر از گروههای مختلف مردم مشهد به مناسبت بزرگداشت روز جمهوری اسلامی دست به یک راهپیمایی عظیم زدند. این راهپیمایی که از ساعت ۹ با ماداد با شرکت گروه کثیری از مردم آغاز شده بود پس از عبور از چند خیابان در صحن امام خمینی گرد آمدند و نماینده امام در مشهد سخنانی ایراد کرد. شعارهای مردم در این راهپیمایی چنین بود: "امریکا روسیه تو با سلاح ناپالم - ما با سلاح ایمان بجنگ تا بجنگیم"، "نه شرقی نه غربی شعار ملت ماست - جمهوری اسلامی اساس وحدت ماست"، "این آخرین پیام رهبر بیدار ماست - شوروی آمریکا دشمن خونخوار ماست".

مردم چالوس باند کیانوری را افشاء میکنند

چالوس - ۴ فروردین - گروهی از هواداران حزب رنجبران ایران در چالوس از نمایشگاه عکس "انقیاد ملی" دار و دسته کیانوری که در چالوس بر پا شده بود گزارش فرستاده‌اند.

روی پل چالوس عناصر طرفدار دار و دسته کیانوری نمایشگاه عکس برای "انقیاد ملی" بر پا کرده بودند. مردمی که برای دیدن و افشای این دارو دسته به نمایشگاه آمدند از کسی که مجله روسی "آدرخش" را می‌فروخت و در کنارش عکسی از برزنف کثیف و نوکر ریشویش فیدل کاسترو بود سؤال می‌کردند. "آقا پراودا، ایروستیا نداری؟" که این سؤال باعث خنده مردم می‌شد. یکی از افراد این دار و دسته از دم می‌خواست که از بحث جلو گیری کنند و متفرق شوند لیکن مردم به افشای بیشتر آنها و عکسهایی که در آنجا بود پرداختند. یکی از آنها به جلو آمد و به مردم گفت: "اگر از روی پل پائین نروید می‌اندازم پائین!" که مردم در جواب وی گفتند: "این راه و رسم شماست. چون وقتی که حرفی برای گفتن ندارید به زور متوسل می‌شوید". مردم شروع به افشای چنایتهای روسیه در افغانستان نمودند که در این میان

دو ابر قدرت آمریکا و روسیه از زبان ارقام

(مکمل جدول روس نامه مردم یکشنبه ۱۷ فروردین)

روس نامه "مردم" یکشنبه ۱۷ فروردین نوشت در پاسخ پرسش یکی از خوانندگان، مقایسه‌ای بین تولیدات شوروی و آمریکا بعمل آورده و جدولی را مربوط به ارقام سال ۱۹۷۸ به چاپ رسانده است.

در این جدول صرفنظر از آنکه در زمینه تولیداتی مانند گندم به دروغ تولید گندم شوروی را بیش از دو برابر تولید آمریکا نشان میدهد در حالی که همه میدانند شوروی از لحاظ تولید گندم و حبوبات عقب رفته است اما از همین جدول پیداست که شوروی عمدتاً "در زمینه‌های صنعتی که سود آور باشد و به کار تسلیحات و نظامی می‌آیند مانند سیمان، فولاد، ... جلو افتاده و در مواردی که به رفاه مردم بستگی دارد مانند تولید گوشت و حبوبات عقب است. این زمینه‌ها برای امپریالیستها چندان سود آور نیست.

حال ما برای تکمیل اطلاعات خوانندگان که مایلند شوروی را با آمریکا مقایسه کنند جدول زیر را مربوط به همان سال ۱۹۷۸ ارائه میدهیم:

(ارقام مربوط به سال ۱۹۷۸ است)

	شوروی	آمریکا
مساحت	۲۲/۴ میلیون کیلومتر مربع	۹/۴ میلیون کیلومتر مربع
جمعیت	۲۶۲/۴ میلیون نفر	۲۲۰ میلیون نفر
بودجه نظامی	۱۴۰ میلیارد دلار	۱۲۰ میلیارد دلار
پدرصد بودجه نظامی به درآمد ملی	۱۱%	۵%
افراد ارتش	۴،۴۰۰،۰۰۰ نفر	۲،۰۰۰،۰۰۰ نفر
موشکهای اتمی قاره پیما	۱۳۹۸	۱۰۵۴
موشکهای زیر دریایی	۱۰۲۸	۶۵۶
کلاهکهای هسته‌ای	۶۰۰۰	۹۲۰۰
ناو جنگی	۶۰۱	۲۹۹
تانک	۵۰۰،۰۰۰	۱۰۰،۵۰۰
توپهای صحرایی	۲۰۰،۰۰۰	۵۰،۵۰۰
زیر دریایی تهاجمی	۲۲۴	۸۱
هواپیماهای تاکتیکی	۸۰۰۰	۵۳۶۴
تجارت اسلحه	۴ میلیارد دلار	۶ میلیارد دلار

رنجبران و خوانندگان

عرب را سحورد و در اندیشه ایرانی مستقل و عدم وابستگی به آمریکا و یا شوروی باشند، اصلاً "نمیدانم چرا این هوداران سازمانهای فدائیان و یاحزب توده و ... اینقدر در مورد شوروی حساسیت دارند و مرتب بجای موضع گیری در برابر تهاجم وحشیانه شوروی جنایتکار به افغانستان، سکوت اختیار کرده‌اند و برایشان اهمیتی ندارد - آری برای آنها شکمهای پاره شده افغانی فقیر از ضربه سرنیزه مزدوران کرملین و شکمهای گرسنه شده کودکان افغان و آوارگی و بدبختی آنها از استعمار مودی شوروی، برگرداندن حق به آنها و سرکوب فتودالیها است، راستی که چقدر مسخره است - خلق یا پرهینه افغانستان و فتودال؟ شرم هم نمیکند و در ایران هم وقایع گنبد و کردستان و خوزستان را براه می‌اندازند و لسی غافلند از سیل خروش خلق. خواهش میکنم نامه‌ها را در رنجبر چاپ کنید تا ندای مانوجوانان به گوش مردم برسد و حقایق بیشتر روشن شود. موفق و پیرو باشید م. ر. ر. - بروجرد

ضمن درود و سلام، برایتان آرزوی پیروزی در مبارزه با دو ابر قدرت جهانخوار آمریکا و شوروی می‌نمایم. متأسفانه این روزها، بخصوص در شهر ما بروجرد، همانطور که آمریکا مشغول توطئه است شوروی هم با اعمالش مثل... باند کیانوری و چریکهای فدایی و... سرسختانه مشغول توطئه و راهگشایی برای نفوذ و وارد شدن به کشور مان ایران است. در شهر ما، این گروهها با سرسختی، به مواضع استقلال طلبانه امثال ما، حمله میکنند از آنطرف اربابشان شوروی هم با بیرحمی، به کشتار و سرکوبی ملت مبارز افغانستان مشغول است ولی بالاخره خلقهای ضعیف بر ابر قدرتها پیروز میشوند - من همیشه رنجبر را میخوانم و مطالب انقلابی و مترقی آنرا برای دوستان و مدعیان، توجیه میکنم - بیشک نشریه شما، میتواند بهترین دوست و یاور برای کارگران ایران باشد، همیشه در رنجبر، درد دل و مشکلات کارگران و زحمتکشان و دهقانان را میخوانم و به مواضع انقلابی شما درود میفرستم - امیدوارم مردم انقلابی ما، آگاه باشند و گو، دستگاههای ضد انقلابی شرق و

مدیریت محترم رنجبر

شب ۱۱/۲۵ در تلویزیون به مناسبت شروع هفته شورا میز گردی بود با شرکت چند نفر از جمله دکتر پیمان (رهبر جنبش مسلمانان مبارز)، بنده مدتهاست با افکار و بیستنهادهات ایشان از طریق هفته نامه استانی دارم. ضمن اینکه سوابق مبارزاتی دکتر پیمان مورد احترام است باید بگویم طرح های ایشان جز انقلابیگری اتوبیانی و ناکجا آبادی چیز دیگری نیست.

شورا بر آن معنا که ایشان میگوید در یک جامعه سرمایه داری مثل ایران وصله ناجور است و صرفاً میتوان گفت بیشتر خرابکارانه میباشد تا سازنده. زیرا به صرف اینکه ما بگوئیم جامعه اسلامی "توحیدی است" چیزی عوض نمیشود و به سبک قصه گالیور که بنا را از بالا به پائین میساخت، نمیتوان با شورا درست کردن جامعه بی طبقه توحیدی ساخت. این همان آثار تقسیم است که امام به آن حمله کرده، فرمودند مقصود از جامعه توحیدی صحیح وحدت اعضای یک بدن است (انسجام ارگانیک) وگرنه تا وقتی که

سرمایه داری دولتی مدل روسی را در اینجا آماده کند. نمونه دیگر این تمایلات (بی طبقه توحیدی) در صفوف ارتش بروز کرده و گردن کلفتیهای که تصفیه شده‌اند غیر مستقیم عده‌ای از جوانان احساساتی ارتش را به تحمیل واداشته‌اند که چرا مثلاً "در آن میان (دو نفر مبارز) هم تصفیه شده‌اند. بعید نیست آن مبارزها هم از تیم کیانوری‌ها یا از این دلقک انقلابی‌ها که گنبد را به آشوب کشیدند بوده است. جوانان پاکدل در ارتش متوجه باشند آلت دست باند مزدوران روس نشوند همچنانکه دیروز به امر امام و فرمان انقلاب مردمی از زیر پرچم امریکائی زنرالهای شاه گریختند و به ارتش میلیونی توده‌ها پیوستند، امروز هم توی دهن آمریکا و روس بزنند. وقتی دلقک انقلابی‌ها در کاران روی دیوارها مینویسند درود بر اتحاد سوسیالیستی شوروی (۵۸/۱۱/۱۸) و فردای همان روز منطقه را شلوع میکنند و آنطرف مرز تانکهای آماده ایستاده است که لابد به نجات خلق

یکی از توده‌ایها گفت: "امام گفته دشمن اصلی ما امریکاست". یکی از میان جمعیت گفت: "خیر امام به درستی گفته دشمنان ما دو ابر قدرت شرق و غرب هستند" و این جمله را بقیه مردم نیز تأیید کردند. یسرک توده‌ای که از این ساله به‌خشم آمده بود گفت: "همه‌شماها مائونیست‌هستید" و در اینجا مردم با فریاد گفتند: "شماها هر کسی که توضع ضد دو ابر قدرت امریکا و روسیه را داشته باشد مائونیست می‌نامید بنابراین امام خمینی و آقای بنی صدر هم باید مائونیست باشند چون آنها از شرق تجاوزگر و غرب جنایتکار همیشه نام می‌برند. اما بدانید که ملت ما نمی‌گذارد که کشورمان تبدیل به افغانستان و یا ویتنام شود، زیرا ایران گورستان ابر قدرتها خواهد شد. سپس همه مردم شعار "نه شرقی، نه غربی جمهوری اسلامی" را فریاد می‌کردند.

* اخراج کارگران ...

خرابیهای آن نظام و نه صاحب نفعی در دعواهای حاکمیتین فعلی و سرمایه‌داران است. در حالیکه زحمتکشان با فقر وسیه روزی روزافزون دست به گریبانند، حاکمین سرگرم دعواهای خود و ارائه سیاستهای غلط و خنمان برانداز هستند و از این طریق هرج و مرج عظیمی آفریده و آنگاه که کارگران ساقط شده از هستی دهان به انتقاد و اعتراض می‌کنند، با انواع برده‌ها و توطئه‌های ناجوانمردانه روبرو می‌گردند. طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان بیش از این نه حاضرند و نه می‌توانند با این بحران را بدوش کشند. کارگران باید با توطئه سرمایه‌داران برای تعطیل کارخانجات مبارزه نمایند و در مقابل اجحافات و کارشکنی‌های مسئولین دولتی صفوف خود را بهم‌فشرده تر و اتحاد خویش را محکم‌تر بنمایند. در مقابل کارگران برای ادامه انقلاب و جلوگیری از اخلال در ارتولید و وظیفه مهم قرار دارد:

- ۱- مبارزه برای بالا بردن تولیدات ملی و در نتیجه خدمت به استقلال مین
- ۲- مبارزه و مقابله برای بدست آوردن حقوق حقه خویش
- ۳- مبارزه با ایدئولوژی و با شکل سازمان یافته تری و با ایجاد و گسترش تشکلات طبقاتی خود در سطوح کارخانجات و رشته‌های تولیدی و صنعتی (سندیکاها و اتحادیه‌ها) از یک طرف در مقابل توطئه‌های ضدکارگری ایستادگی کنند و از طرف دیگر با عوامل مخل رشد تولید و گردش چرخهای اقتصادی، مبارزه نمایند.

سازمان جاسوسی	ک. گ. ب.	سیا
---------------	----------	-----

سیاست تفرقه

که ادعاهایش در مورد این جزایر تنها دستاویزی است برای گسترش اختلافات میان ایران و عراق و دیگر کشورهای عربی خلیج فارس، عراق تلاش می‌کند تا در برابر پرچم انقلاب اسلامی ایران، پرچم پان عربیستی را برافرازد و از این طریق احساسات خلقهای عرب منطقه را علیه ایران تحریک کند.

مسئله گروگانها ...

نسبت به کشورهای جهان سوم و جنبش انقلابی درون آنها و کشاندن حمایت از این جنبشها به سطح دخالت در امور داخلی این کشورها و برهم زدن وحدت کشورهای جهان سوم در مقابل ابرقدرتها، عدم توجه به ننان و نمک مردم و رفاه توده‌های زحمتکش و لزوم رشد تولید ملی، زیر پرچم‌های کاذب انقلابی نمائی و بالاخره انحصار رطلیسی و وحدت با سایر نیروهای استقلال طلب و سرکوب حقوق دمکراتیک مردم با سوء استفاده از اسلام مبارز و قلب ماهیت آن سیاست دوم، سیاست اتحاد بزرگ ملی علیه دوا بر قدرت است. سیاست مبارزه با آمریکا بدون افتادن روی خط روسیه، وحدت کلیه نیروهای استقلال طلب، وحدت با جهان سوم و جلب جهان دوم (اروپا و ژاپن) برای منفرد کردن دو ابر قدرت در سطح جهانی، رشد تولید ملی و تاء مین رفاه زحمتکشان و شکوفائی نیروی خلافت مزد در محیطی آزاد برای پیشبرد امر انقلاب. مبارزه میان ایمن دو سیاست، جوهر مجادله کنونی در باره ی گروگانها را تشکیل میدهد و انحصار رطلیان که سیاست نادرست اولی را دنبال میکنند، تلاش میکنند از مسئله گروگانها چگون

جامعه متمدن هست سلسله مراتب و نقش تخصصها باید محفوظ باشد و تنها در کمون اولیه (مشابه مساوات گله‌های حیوانی) بوده است که مساوات مطلق وجود داشته، حتی لنین در دولت و انقلاب نوشته بود، دولت چنان ساده میشود که هر زن خانه‌داری بتواند در امور اداری دولت مشارکت کند. در عمل دیدیم حتی پیش از غلبه رویونیسم - دولت شوروی پیچیده‌ترین سیستمها بود که اگر راه درست خود را ادامه میداد به طریق دیالکتیکی یک شکل ساده را از خود فراموشی رویناید که چنین نشد.

بازی بحث در انقلابیگری کاذب است که در عمل خواسته یا نخواستہ نظم اجتماعی را بهم میزند بدون آنکه در جای آن چیزی بتواند بسازد و خود بخود زمینه رشد اتانسیسم و ابزار برای زدن جناح دیگری، قبضه کردن قدرت در دست خود و پیاپی کردن سیاست خودیسا فراغ خاطر، استفاده کنند.

مسئله گروگانها ابزاری در خدمت زدن رقیب و کسب انحصاری قدرت برای پیاده کردن سیاست نادرست اولی است. اینست تصویر اساسی اوضاع در مورد مسئله گروگانها اما این سیاست انحرافی را مردم مامدتی است که طبرد کرده اند. تشدید بحران گروگانها موجب تضعیف قدرت مرکزی جمهوری شده و نه دولت اجازه نخواهد داد که بر نامه‌های اساسی را برای برانداختن سلطه آمریکا از حیات جامعه ما بطور واقعی به پیش برد. از سوی دیگر تضعیف قدرت مرکزی و هرج و مرج در بالا تنها بسود ابر قدرت روسیه تمام میشود که در حال ساختن یک جبهه سیاسی داخلی علیه انقلاب است و انحصار رطلیان این خط مشی خود هر قدر هم که شعار نه شرقی نه غربی را بدهند عملاً روی خط روسها حرکت کرده و به آنها خدمت میکنند. استفاده نکردن از تضاد جهان دوم (اروپا و ژاپن) علیه دوا بر قدرت، بمعنای انفرادیسی انقلاب مآدر بخش مهمی از جهان است و این کار گرچه با شعارهای بظاهر

و از این طرف هم از مرز عراق سالار جافها با پول شاه و اسلحه صدام حسین و نقشه و برنامه آمریکائی حمله می‌کنند - ارتش ما مسلماً باید از عوامل شاه پرست - آمریکائی - روسی و روس زده تصفیه شود.

شوراهای کارخانجات هم یازیر نفوذ چپها! و یا مسلمانان مترقی! و یا حزب جمهوری اسلامی است. در هر حال بعنوان اهرم سیاسی به کار می‌روند. ما در شرایط فعلی همان سندیکاهای واقعی و منتخب از کارگران راستین را مرجع میدانیم چون شوراهای آلت دست یکی از سه قسیم نامبرده میشوند. و قابله‌های ناشی یا مفرض کاری میکنند که بچه سر را برود.

با دروهای شایسته ع. مهری ۵۸/۱۱/۶

انقلابی انجام می‌گیرد ولی عملاً آب به آسیاب دوا بر قدرت برای منفرد کردن انقلاب ما در جهان، تضعیف و سپس سرکوب آن میریزد. نرسیدن بمسائل نان و نمک مردم و رفاه آنان در زمانیکه کشور ما با یک بحران همه جانبه اقتصادی روبروست ضربه انقلاب است و نه پیشبرد آن و هر قدر بحران گروگانها بطور کاذب در خدمت قدرت طلبی انحصار رطلیان، ادامه یابد، دولت تضعیف شده و تقا در به حل مشکلات اقتصادی کشور و رفاه مردم نخواهد بود و این زمینه ها را برای اخلال عوامل دوا بر قدرت، چپ‌نماها، مسلمان نماها و بخصوص عمال روسیه آماده خواهد کرد.

اما مردم ما دیگر هوشیارند و از انقلابی نمائی ضد آمریکائی طرفدار روس، ضد آزادی و ضد رفاه خلق، بیزارند، آنها استقلال - آزادی و رفاه میخواهند و مبارزه‌ی فعلی میان ایندو سیاست هم درست بر سر این خواسته‌ی اساسی مردم است. از اینرو باید در این مبارزه میان دوسیاست به شکلهای گوناگون شرکت کرد با طرد خط انحرافی هرج و مرج کنونی را بسوی ایجاد نظم انقلابی هدایت نمود.

گزارش بحث سیاسی در مسجد سلیمان

خط «اتحاد بزرگ ملی» در برابر انحرافات پیروز است

گزارش زیر را طرفداران حزب رنجبران در مسجد سلیمان از مسائل سیاسی این شهر، بحثهای هواداران حزب و دیگر جوانان شهر با چپ‌نماها و ... فرستاده‌اند که اقدام به چاپ آن نکنیم.

فخرالدین حجازی چند جلسه سخنرانی در مسجد سلیمان برگزار کرد و در سخنانش بر روی خط نه شرقی نه غربی تکیه می‌کرد. او گفت در انقلاب ایران، آمریکا نفت را از دست داده و روسیه گاز را. او همچنین اشاره کرد که جوانان اریتره در یک زمان با ابرقدرت روسیه و آمریکا در حال جنگند. وی گفت ما شیر نفت را بروی آمریکا و گاز را بروی روسیه بستیم. ما در یک لحظه با دو ابرقدرت می‌جنگیم. وی در بحث هایش به انحرافات مجاهدین خلق اشاره نموده و آنان را شدیداً مورد حمله قرار داد.

جوانان مسلمان علیرغم پیش‌بینی استقبال چندانی از فخرالدین بعمل نیاوردند.

جوانان مسلمان مسجد سلیمان اخیراً فعالیت خوبی میکنند و از جمله نایشگاه عکسی در شهر بر پا کرده بودند که از حزب رنجبران دعوت بعمل آوردند که در بحث هایشان شرکت کنیم.

در یک جلسه بحث در مسجد "چهاربیشه" حضور یافتیم. قبل از بحث یکی از مسئولین مسجد گفت برایش قابل قبول نیست که کسی اسلامی نباشد ولی از انقلاب پشتیبانی کند. وی می‌گفت هواداران رنجبر وابسته هستند. ما پاسخ دادیم که این برجسب بما نمی‌چسبد. ما با حفظ ایدئولوژی خود در راه استقلال ایران مبارزه میکنیم. بعدا روشن شد که یکی از هواداران "رزمندگان..." سم پاشی کرده بود.

ما در بحثها تاریخ انقلاب اخیر و چگونگی بوجود آمدن دولت و علت پشتیبانی از آنرا مطرح کردیم که مورد استقبال مردم قرار گرفت. سپس درباره ادامه انقلاب، اخلاص دو ابر قدرت و عوامل آنها و چگونگی حفظ استقلال و خط نه شرقی نه غربی بحث کردیم. حاضرین مشتاق بودند که ما

درباره خط سازش با شرق توضیح بدهیم ما نیز با استناد به مدارک چپ‌نماها و رهبری چریکها، انحراف و سازش آنان با شرق را توضیح دادیم. این بحثها مورد استقبال مردم قرار گرفته و از ما خواستند در فرصتهای دیگری نیز به آنجا برویم.

چپ‌نماها چه قبل از برنامه و چه در پایان بحث با طرح سئوالات و اتهامات واهی سعی در اخلاص و مسموم کردن جو داشتند. تاحدی که چند نفر را تحت تاثیر قرار داده بودند. ما موضع یکی از این چپ - نمایان را که در جلسه شلوغ می‌کرد در مورد رهبری انقلاب سئوال کردیم او ضمن طفره رفتن از این مسئله انقلاب را به عنوان یک جنبش و بی اهمیت تلقی نمود. از این پس چند نفری که با او همراهی کرده بودند از او جدا شده و از خود انتقاد کردند.

در این بحث در مسجد حدود ۸۰ نفر شرکت داشتند.

در روز ۱۶ فروردین به محل بحث "رزمندگان" رفتیم. یکی از "رزمندگان" می‌گفت امام خمینی نماینده بورژوازی وابسته با سرمایه‌لیسم است و او ارتش را با همان ترکیب شاهنشاهی خویش حفظ کرده است. او حتی به آیت الله طالقانی نیز حمله کرده و گفت طالقانی در روز قیام بلند گو بدست گرفته و در خیابانها مردم را دعوت به رفتن به خانه‌هایشان نموده است. یکی از جوانان مسلمان برای بحث نوبت گرفت. هوادار حزب رنجبران نیز برای بحث نوبت خواست و وقتی نوبت او رسید "رزمندگان" شروع به سمپاشی کردند و سعی داشتند که جلوی بحث او را بگیرند. تکرار این عمل آنان مورد خشم حاضرین قرار گرفت و مردم با شعار نه شرقی نه غربی و مرگ بر سانسورچی سعی نمودند آنان را ساکت کنند.

به پیشنهاد حاضرین ما کمی کنارت رفته و بحث را ادامه دادیم. و به نکات انحرافی آنان اشاره کردیم. سپس در مورد "رزمندگان" و مخالفت ظاهری شان با روسیه و

پشتیبانی عملی شان از آن از طریق رای دادن به چریکها و "راه کارگر" و مسلمان نماهایی که همگی روی خط سازش با شرق هستند. و همچنین در مورد مخالفتشان با تئوری سه جهان که تاکنون حتی یک‌سطر تحلیل در این باره ارائه نگردانند و ... صحبت کردیم. در این فاصله رزمندگان که تعدادشان در مقایسه با ما بسیار کم بود به برجسب‌زنی خود ادامه میدادند. در اینجا یکی از جوانان مسلمان به میان آنها رفت و گفت که برجسب زنی فایده‌ای ندارد اگر شما حرفی و مخالفتی دارید بهتر است در مقابل مردم و خود آنان بگوئید. و حرفهای آنان را نیز گوش کنید تا اینکه مردم قضاوت کنند. شما که به طرفداران حزب رنجبران برجسب ضد خلقی می‌زنید خودتان بیشتر استحقاق آنرا دارید. چون نه مواضعتان انقلابی است و نه اخلاق و شیوه انقلابی را در بحث های تان رعایت می‌کنید. طرفداران حزب رنجبران صادقانه طرفدار استقلال ایران هستند و شعار نه شرقی و نه غربی را بین مردم تبلیغ می‌کنند و با مخالفین خط نه شرقی نه غربی با بحث و با استناد به مدارک خود آنان بحث میکنند و آنها را محکوم میکنند.

در پایان بحث مردم که تعداد شان بسیار زیادتر از چپ‌نماها بود شعار نه شرقی نه غربی و مرگ بر روسیه، افغان پیروز است روسیه‌نا بود است با آنان مقابله کردند.

این یک نمونه خوب از اتحاد بزرگ ملی بر مبنای خط نه شرقی نه غربی برای ما میباشد.

افراد کمیته مسجد سلیمان با انتشار اعلامیه‌ای استعفاي دسته‌جمعی خویش را اعلام داشتند. آنها در این اعلامیه می‌نویسند: علیرغم میل باطنی‌مان بدلیل اینکه بگرات مورد حمله ناجوانمردانه مفرضین و انقلابی نمایان قرار گرفته‌ایم سلاح بر زمین می‌گذاریم. و همراه شما مردم دلیر مبارزه خود را علیه آنان به هر طریق ادامه میدهیم.

گزارش زیر را یکی از طرفداران حزب رنجبران در شیراز از برخوردهای مردم در موقع فروش رنجبر فرستاده است.

برای فروش رنجبر از دفتر حزب بیرون آمدم و از طریق خیابان فردوسی روانه فلکه ستاد و خیابان زند شدم. در حال فروش رنجبر برخوردهایی داشتم که آنها را شرح میدهم:

در خیابان فردوسی از آقای سوال کردم که آیا رنجبر میخواهد گفت نه. پرسیدم آیا رنجبر را تاکنون خوانده‌ای؟ گفت قبلاً نخوانده‌ام و حالا هم نمی‌خوانم شما همه تون سرونه یک کرباس هستید. شما هیچ فرقی با توده‌ای، فدائی و پیکار و غیره ندارید همتون در خدمت روسیه کار میکنید. از او خواهش کردم کمی بحرفهایم گوش بدهد. او پذیرفت و در حدود ربع ساعت راجع به خط مشی حزب، لزوم وحدت و رهبری امام و ... غیره بحث کردیم او در حالی که کمی هم شرمند شده بود از من معذرت خواست که در ابتدا برخورد خوبی نداشته‌است و یک رنجبر گرفت و آدرس دفتر حزب را هم خواست که بما سر بزند.

یک جوان اسلامی که مرتب رنجبر را مطالعه میکند از من سوال کرد که چرا شما با این خط مشی درست و این تحلیل درستی که از اوضاع و وحدت سه جریان میکنید در سطح شهر سخن رانی وسیع ترتیب نمی‌دهید تا این چپ‌های قلابی افشاء شوند.

جلو مهدیه شیراز به برادران پاسدار رنجبر دادم که گفتند نمی‌خواهیم. کمی با هم گفتگو کردیم و یک رنجبر با آنها دادم و گفتم که ما با سایر نیروهای "چپ" فرق داریم و از آنها جدا شدم.

دوسه روز بعد که مجدداً برای فروش رنجبر رفتم آنها از من رنجبر گرفتند و گفتند شما کمونیست‌هایی هستید که ما هنوز ندیده‌ایم، خدا کند که این گفته‌هایتان را هم در عمل انجام دهید. یکی از برادران پاسدار گفت دوسه روز پیش ما شما را دیدیم که در فلکه ستاد توده‌ایها را افشاء میکردیدو با آنها درگیری داشتی یکی از ما آنها را مطالب بودتا اگر آنها بر علیه شما توطئه کنند آنها را به مهدیه بیاوریم و ... ولی شما کمی افشاء کردید و رفتید.

گزارش فروش رنجبر و ...

یا ... شرمند راهش را ادامه داد و رفت.

چند قدمی از آنجا فاصله نکرده بودم که یک روستایی آمد و گفت خانم من ترا همیشه میبینم که روزنامه می‌فروشی و بحث میکنی ولی این را فقط برای شهرتیا انجام میدهی. اینها که خواه ناخواه سواد دارند و خودشان میتوانند مطالعه کنند چرا این حرفها را توی ده نمی‌آئید بزنید، ما هیچ چیز نداریم سواد هم نداریم. با او مقداری صحبت کردم و بهش حق دادم که ما باید به ده برویم و با هم قرار گذاشتیم او بدفتر رنجبر سر بزند و منم به ده رفته و گزارش تهیه کنم.

این دوست روستایی ما عصر همان روز به دفتر مراجعه کرده بود که متأسفانه من نبودم ولی رفقای دیگر با او به صحبت نشستند بودند.

در یک مغازه غذایی فروشی رفتم و از مغازه‌دار پرسیدم آقا رنجبر نمی‌خواهید؟ گفت "نه آمریکا نه روسیه" است گفتم بله گفت یکی بده در این میان یکی از مشتریها گفت خانم چیه شما چی میگید؟ قبلاً از این که من جوابی بدهم فروشنده گفت آقا بخر خوب چیزیه خود مونیه!

با یک مادر و پسر برخورد کردم پرسیدم آیا رنجبر میخواهین؟ آقا گفت بله و پرسید چنده؟ مادرش گفت زیاد بده، به اینها باید کمک کرد، ده تومن بده، اینها استقلال خواهند.

در خیابان رودکی رنجبر می‌فروختم یک لوازم التحریر فروش گفت خانم شما پول از کجا میارید اینهمه عکس و اعلامیه رنگی بوستر سبز و قرمز چاپ کنید؟ قبل از این که من حرفی بزنم آقایی که جلومنازه او ایستاده بود گفت بابا اینها نیستن، این رنگ و وارنگها مال توده‌ایها است بودجه روسیه، اینها از این پولان دارن.

رفقا اینها نمونه‌های کوچکی از هزاران برخورد خوب و استقلال خواهانه بود که در حین فروش رنجبر با آن برخورد کردم.

من ضمن تشکر از این برادران استقلال خواه از آنها جدا شدیم. امروز مجدداً یکی از آنها را دیدم ضمن گرفتن نشریه گفت دیشب توده‌ایها داشتند شعارهای شمارا خراب میکردند و از شعار نه آمریکا نه روسیه، روی روسیه را سیاه میکردند ما آنها را به سیاه آوردیم که با التماس آزاد شدند و قرار شد دیگر به تخریب شعارها نپردازند.

جلو دادگاه انقلاب اسلامی رنجبر می‌فروختم و توده‌ایها هم فلکه ستاد را ترق کرده بودند و انقیاد طلبی را تبلیغ میکردند. وقتی من شعار نه آمریکا نه روسیه را دادم شروع به لجن پراکنی کردند. و منم به افشاء آنها پرداختم در این میان وابستگان بی چشم و روی کرملین بطرف من آمدند و خواستند خودی نشان بدهند که چند آقای استقلال طلب بمن نزدیک شدند و گفتند خانم درود بر شما ادامه بدهد ما پشت تورا داریم بگذار مردم بدانند اینها چه خائنینی هستند. و منم بنا به خواست هم میهنان استقلال خواه افشاء شدند ولی چون یکی از مسئولین دادگاه انقلاب اسلامی از من خواهش کرد که آنجا ترک کنم تا مردم متفرق بشوند منم از آنجا رفتم.

توی خیابان زند آقای صدازد و گفت خانم روزنامه "ایران مسال" ایرانیه هست؟ گفتم بله رنجبره گفت بده و یک رنجبر خرید.

یک آقای مسن در حالی که یک رنجبر از من خرید یک اسکناس پنج تومانی داد و گفت خانم ۴ عدد هم به کسانی که پول ندارند بده تا بدانند چه کسی درست میگویی و اوضاع چیست؟ برای عده‌ای که از رنجبر و حزب و غیره سوال میکردند داشتیم توضیح میدادم که یک توده‌ای با فدائی و یا ... خلاصه نمی‌دانم از کدام دارودسته بود آمد که خانم این شعار انحرافی است هر کس علیه روسیه باشد آمریکائی است و غیره ... و من توضیح دادم که اگر کسی رنگی در کفش نداشته باشد باید ببیند که در افغانستان چه میگردد و چگونه پو شان کرملین چرا مردم را در کابل و دیگر شهرهای افغانستان قتل و عام میکنند، در این بحث همه طرفدار من بودند و نیمه‌چه توده‌ای و



کشاورزی باید اساس اقتصاد ما و صنعت رهبری کننده آن باشد

در برنامه کنونی حزب رنجبران ایران در بخش " مبارزه بخاطر تحکیم استقلال اقتصادی " آمده است :
۱ - سیاست کلی اقتصادی ما مبتنی است بر :

الف - کشاورزی باید اساس اقتصاد ما را تشکیل دهد و در نتیجه باید در راس برنامه استقلال اقتصادی کشور قرار گیرد .

ب - صنعت باید هدایت کننده اقتصاد کشور باشد و در نتیجه باید به رشد کشاورزی خدمت کند . . .
منظور از اینکه اساس اقتصاد ما باید بر کشاورزی استوار بوده و صنعت رهبری کننده مجموعه اقتصاد کشور و در خدمت رشد کشاورزی باشد چیست ؟

کشاورزی ، اساس اقتصاد ما

کشوری که می خواهد استقلال اقتصادی داشته باشد در درجه اول باید در زمینه اساسی ترین کالا های مورد نیاز مردم و بخصوص مواد غذایی خود کفا باشد . کشوری که از زیر یوغ حاکمیت امپریالیسم در می آید و قدم در مسیر کسب استقلال کامل و همه جانبه می گذارد چاره ای ندارد جز اینکه ابتدا به ترمیم عقب ماندگیهای ناشی از سالها سلطه امپریالیسم بپردازد .

چنین کشوری نمی تواند توسعه صنایع سنگینی را در راس برنامه های خود قرار دهد . چرا که رشد و توسعه چنین رشته هایی نیازمند تکنولوژی و تخصص پیچیده است و خواه نا خواه همراه خود وابستگی به شرق یا غرب می آورد . در عین اینکه وقتی چنین کشوری عمده نیروی خود را در راه توسعه صنایع سنگین می گذارد ، با کمبود کالاهای اساسی مورد نیاز مردم و بخصوص کمبود مواد غذایی روبرو می شود و مجبور می شود این قبیل کالاها را مرتباً از خارج وارد کند .

همه می دانیم که رژیم مزدور شاه تمام حرکتهايش را بر مبنای منافع امپریالیسم تنظیم می کرد و تا آنجا که در توان داشت کشاورزی ما و اقتصاد ملی ما را حراج کرد . چرا که امپریالیسم می خواست که ما هیچ چیز از خودمان نداشته باشیم و فقط مواد خام مثل نفت به آنها تحویل بدهیم و مصرف کننده کالاهای آنها باشیم . اما حالا که ایران در زمینه سیاسی مستقل شده است ، باید این قدرت سیاسی را در خدمت کسب استقلال کامل بگیریم .

اولین و مهمترین اقدام ما باید تلاش برای باز سازی کشاورزی و رسیدن به خود کفائی در زمینه مواد غذایی باشد . ما سالانه میلیارد ها تومان از درآمد خود را برای خرید مواد غذایی خرج می کنیم . رشد و توسعه کشاورزی جلوی این خروج ثروت ملی را می گیرد . کشور را از وابستگی مواد غذایی می رهاند و به خود کفائی میرساند و در عین حال به کاهش بحران اقتصادی کمک نموده و کاهش تورم و بیکاری را به دنبال می آورد .

بعلاوه افزایش تولیدات کشاورزی می تواند تامین کننده مواد خام برای بخشی از صنایع کشور باشد . این امر به خود کفائی صنعتی کمک می کند . بخشی از صنایع کشور ما مواد خام مورد نیاز خود را که براحته در داخل کشور قابل تهیه است ، از خارج وارد می کنند . مثلاً صنایع نساجی ، روغن نباتی و . . . ، پنبه ، دانه های روغنی و دیگر مواد اولیه مورد نیاز خود را ، که می تواند در ایران تهیه شود ، از خارج خریداری می کنند . کمک به تامین خود کفائی صنعتی دومین نتیجه مهم رشد و شکوفائی کشاورزی است .

بسیاری از صنایع سبک و مصرفی می تواند با اتکا به محصولات کشاورزی در مناطق مختلف بوجود آید . در این زمینه بخصوص صنایع غذایی قابل توجه است . با توجه به اینکه دامداری براحته می تواند در جوار زراعت رشد کند ، شکوفائی کشاورزی ، از روستاهای کشور قطبهای فعال اقتصادی می سازد که زیر بنای محکمی برای شکوفائی اقتصاد ملی خواهد بود .

در شرایط کنونی کشور ما و با توجه به فقر تکنولوژیکی و وابستگی صنایع سنگین ، با توجه به کثرت زمینهای قابل کشت و نیروی کار فراوان و با توجه به نیاز فراوان کشور به محصولات کشاورزی و مصرفی ، انباشت سرمایه در کشاورزی و صنایع سبک

سریعتر از هر رشته دیگر صورت می گیرد . در عین حال انباشت سرمایه در بخش کشاورزی خود پایهرشد صنایع سبک و متوسط ملی است و دقیقاً بر همین اساس یعنی بر اساس رشد کشاورزی و صنایع سبک و تسریع انباشت سرمایه در این رشته هاست که اساسی ترین بخش صنایع سنگین ، یعنی صنایعی که وسائل تولید برای کشاورزی و صنایع سبک و متوسط تولید می کنند می تواند با بگردد و رشد کند .

اگر کشاورزی و صنایع سبک و متوسط رشد کنند و بر پایه اینها صنایع سنگین پا بگیرد ، اجزاء اقتصاد ایران بهم جوش خورده و از یک هماهنگی و بهم پیوستگی درونی برخوردار می شود که می توانند مستقل از امپریالیسم به حیات خود ادامه دهند . در حالی که در شرایط فعلی بخشها و رشته های مختلف اقتصاد ایران در ارتباط با یکدیگر نبوده ، بلکه بخش مهمی از آنها ، حلقه های از رنجیر بازار جهانی انحصارات بین المللی می باشند .

در نتیجه ، ضرورت های مرحله کنونی تکامل جامعه ما حکم می کند که کشاورزی اساس اقتصاد ما را تشکیل داده و در راس برنامه استقلال اقتصادی کشور قرار گیرد .

نقش هدایت کننده صنعت

برنامه کنونی حزب رنجبران ایران برای ادامه انقلاب تصریح می کند که " صنعت باید هدایت کننده اقتصاد کشور باشد و در نتیجه باید به رشد کشاورزی خدمت کند . . . " چرا باید صنعت هدایت کننده اقتصاد باشد ؟

گفتیم که برای ساختمان جامعه نوین ، کشاورزی باید رشد کند . اما جامعه نوین نمیتواند جامعه ای صرفاً کشاورزی باشد . بدون صنعتی شدن ، سخن از ساختمان جامعه نوین در اوضاع کنونی جهان ، حرف بوجی خواهد بود . همین ضرورت صنعتی شدن ، جامعه است که نقش رهبری کننده صنعت را در حرکت تکاملی و رشد یافته ساختمان اقتصادی جامعه روشن مینماید .

صنعت باید تنظیم کننده مجموعه سیستم اقتصادی کشور باشد و اساساً بر بنیاد رشد کشاورزی گسترش یابد و خود در خدمت رشد کشاورزی قرار گیرد . تولید کنندگان کالاهای کشاورزی خودشان خریدار کالاهای صنعتی هستند . در نتیجه وقتی تولید ملی در کشاورزی گسترش یابد بهمان نسبت نیز باید کالاهای صنعتی رشد داشته باشند تا بتوانند با هم بطور منطقی مبادله شوند . این نسبت وقتی حفظ میشود که کشاورزی اساس کار ما باشد و حرکت و شکل گیری مجموعه اقتصاد را صنعت رهبری و تنظیم کند . در غیر این صورت اگر تنها به رشد کشاورزی قناعت کنیم ، هماهنگی بازار داخلی بهم خورده ، نرخ سود در بخش کشاورزی پائین می آید ، تهیه مواد خام و کالاهای مصرفی صنعتی برای تولید کنندگان بخش کشاورزی مشکل میشود . چنین وضعی صرفاً بنبغ امپریالیستها و قشر های وابسته به آنها در داخل می باشد . چرا که مجبور میشویم مرتباً کالاهای صنعتی را وارد کنیم . این وضع تعادل ارزی را بهم زده و بدنیاال خود کمبود و گرانی شدید کالاهای صنعتی را می آورد .

صنایع سبک و متوسط براحته میتوانند در مناطق مختلف با اتکا به کشاورزی پا بگیرند . این صنایع میتوانند مواد خام مورد نیازشان را از تولیدات کشاورزی تامین کرده و خود تولید کننده کالاهای مصرفی مختلف باشند . مثلاً در جایی که کشت پنبه رواج دارد ، کارگاهها و کارخانه های ریسندگی ، بافتندگی و نساجی بوجود آید . در جایی که کشت چغندر هست ، کارخانه قند ، در جایی که دامداری رواج دارد ، کارخانه های تهیه مواد شیری ، چرم سازی ، کفش سازی و . . .

یک چنین صنایعی نیازی به تکنولوژی پیچیده ای ندارند و عموماً میتوان آنها را مستقل از کمکهای فنی خارجی بکار انداخت . صنایع سنگین و مادر یعنی صنایع تولید کننده وسائل تولید تنها بر پایه چنین زمینه ای از کشاورزی و صنایع سبک و متوسط میتوانند در خدمت رشد اقتصاد ملی و کسب استقلال قرار گیرند . در شرایطی که صنعت در چنین

مجرای رشد کند میتواند خود به شکوفائی هر چه بیشتر کشاورزی خدمت کند . یک اقتصاد شکوفا و پیشرفته باید دارای کشاورزی مکانیزه و صنعتی باشد . آیا میتوان برای همیشه ۷۰ درصد مردم را در روستاها سرگرم زراعت نگاه داشت ، در حالیکه ابر قدرت امیر - یالیستی آمریکا تنها با ۶ درصد از جمعیت خود که در بخش کشاورزی کار میکنند بزرگترین صادر کننده محصولات کشاورزی در جهان است ؟ روند تولید در بخش کشاورزی ما باید دگرگون شود و این ممکن نیست مگر با رشد صنعت در کشاورزی و مکانیزه شدن تولید کشاورزی و صنعتی شدن کشور و انطباق روند صنعتی شدن با روند رشد و گسترش بخش کشاورزی تنها راه رسیدن به کشاورزی پیشرفته و مکانیزه است .

سه راه در مقابل اقتصاد ایران

هم اکنون سه راه در پیش روی اقتصاد بحران زده ایران قرار دارند . اولین راه ، راه غربی است یعنی راهی که شاه خائن استاد پیمودنش بود و کاملاً " روشن است که اینراه بئری جز وابستگی مجدد به امپریالیسم آمریکا ، ورشکستگی اقتصاد و گسترش یافتن هر چه بیشتر بحران کنونی ندارد . این راه با اتخاذ " سیاست درهای باز " اقتصاد کشور را بنبغ امپریالیسم و سرمایه داری وابسته جهت میدهد . یعنی همان راهی که ۲۵ سال شاهدش بودیم .

دومین راه راه وابستگی به شرق است . و پایه قول باند کیانوری " راه رشد غیر سرمایه داری " . این راه که چهره انقلابی هم بخود میگیرد ، بریدن کامل از غرب ، گرایش کامل به اردوگاه سوسیال - امپریالیسم ضربه زدن به سرمایه داری ملی تحت عنوان " لیبرال " و " سازشکار " را توصیه میکند . این راه اتکا به نیروی خود را مسخره میکند و میگوید در اوضاع احوال کنونی جهان ، یا باید در چپه آمریکا بود یا در چپه روسیه . . . جهت ستمدیده ما این راه را هم قبول ندارد چرا که خواهان استقلال و قطع هر نوع وابستگی به امپریالیسم است .

سومین راه ، راه " نه شرقی ، نه غربی " و راه رشد و شکوفائی اقتصاد ملی است . راهی که حزب رنجبران ایران ، حزب طبقه کارگر قهرمان ایران سرسخانه از آن دفاع میکند . راهی که مورد پذیرش اکثریت قاطع خلق و تمامی نیروی های استقلال طلب است . در برنامه کنونی حزب رنجبران ایران آمده است : " باید اصل اتکاب به نیروی خود را در زمینه اقتصادی دقیقاً بکار بست . بدین منظور باید کلیه نیروهای خلقی را جهت قطع نفوذ سرمایه های امپریالیستی ، سرمایه داری وابسته خصوصاً دولتی در صنعت کشاورزی ، تجارت ، امور مالی و نظامی و خدمات به خاطر نوسازی کشور بسیج کرد . " - اینست راه " نه شرقی ، نه غربی " در ساختمان اقتصادی . راهی که بر آنست تا تمامی عوامل مثبت را بسیج کرده ، با تکیه اساسی بر زحماتشان ، سرمایه داری ملی را جلب نسوده و امکانات رشد آنرا فراهم کرده و در مناسبات خارجی ، وحدت پیگیر همه جانبه با جهان سوم را تضمین نموده ، در راه جلب جهان دوم و بهره جستن از بازارها و امکانات فنی آنها بطور مشروط و از موضع استقلال کوشیده و در ابر قدرت و جهان خوار آمریکا و شوروی را به نهایت درجه منفرد کرده و جدایی خود را از این دوبه حداکثر ممکن برساند .
برای اینکه بتوانیم ساختمان نوین اقتصادمان را بر اساس کشاورزی بنیان گذاریم . باید سیاست درستی نسبت به دهقانان و سرمایه داری روستائی اتخاذ نماییم . باید امر ساختمان نوین اقتصاد به حل مسائل دهقانان و راهگشایی برای رشد سرمایه داری کوچک ، متوسط ملی در روستاها بینجامد . ترکیب ساختمان اقتصادی بر این مبنا ، به وحدت عمیقتر نیروهای خلقی بخصوص کارگران و دهقانان منجر خواهد شد . اتحاد کارگران و دهقانان و اتحاد نیروهای خلقی بر پایه ای نوین ، بر پایه ساختمان جامعه نوین که نیازمند بسیج کلیه نیروهای خلقی است ، عمقتر و همه جانبه تر برقرار خواهد شد . این نبرد ستاورد بزرگی برای تسریع حرکت تکاملی جامعه ما خواهد بود .

رویدادهای جهان



بودجه سال آینده آمریکا کاهش رفاه و افزایش تسلیحات

دلاری در مقررری باز نشتگی، کاهش در بودجه‌گاری برای جوانان وغیره .

۲ - ۵٪ کاهش در بودجه اداری دولت و بوروکراسی موجود .

۳ - افزایش بودجه نظامی از ۱۳۴ میلیارد دلار در سال ۸۰ به ۱۵۶/۳ میلیارد دلار در سال آینده .

تغییرات بالا در بودجه و کاهش و افزایش در بخش‌های مختلف آن به طور روشنی آمادگی نظامی آمریکا را برای جنگ جهانی سوم از یکسو و تشدید فشار را بر روی مردم آمریکا به خصوص افراد کم درآمد و بیکاران از سوی دیگر نشان می‌دهد .

واشنگتن - ۱۶ فروردین - کمیته بودجه سنای آمریکا، بودجه سال آینده دولت را به مبلغ ۶۱۲/۹ میلیارد دلار تعیین و تصویب نمود .

بودجه سال ۱۹۸۱ دولت آمریکا ۴۵ میلیارد دلار نسبت به بودجه سال ۱۹۸۰ افزایش پیدا کرده است .

در مورد این بودجه سه نکته قابل توجه است :

۱ - تقلیل در بودجه مسائل رفاهی و معیشتی : به طور نمونه کاهش یک میلیارد دلاری در بودجه کوبین - های خوار و بار ، کاهش ۵۰۰ هزار -



* خبرگزاری پارس - مشهد ۱۰ فروردین : حرکت اسلامی افغانستان گزارشی داد که بر اساس گزارش های رسیده از جبهه " نیم رود " در افغانستان مبارزین حرکت اسلامی در این جبهه ضمن بر خورداری از پشتیبانی مردم فرمانداری و زندان شهر " خجانتور " تصرف کرده و پس از ۳۶ ساعت نبرد مسلحانه بین مبارزان مسلمان و نیروهای شوروی سنگر های آنان را درهم شکستند و ضمن دستگیری فرماندار ، دادستان و چند تن از افراد حزب " خلق " ۲۸ سرباز با تعدادی اسلحه به اسارت آنان در آمدند و در نتیجه این شهر را آزاد ساختند و هزاران نفر از مردم مسلمان که در این پیروزی شرکت داشتند با فریاد های الله اکبر از مجاهدین اسلامی استقبال کردند . بر اساس همین گزارش فرماندار شهر " خجانتور " منشی دفتر حزب " خلق " و معاون وی و دادستان فرمانداری در دادگاه انقلابی جبهه " نیم رود " حرکت اسلامی افغانستان

کامبوج : ۱۰۰ سال مبارزه برای استقلال حمله ویتنام و مسائل کنونی (۴)

حدود یک سال است که خاک کامبوج دموکراتیک توسط دولت وارتش ارتجاعی ویتنام با کمک وسیع نظامی سوسیال - فاشیست‌های روسیه مورد تجاوز و اشغال قرار گرفته است . آنهم از سوی حکومت کسوری که مدعی " سوسیالیست " بودن نیز می‌باشد ، کسوری که خلقش قهرمانانه طی دهها سال با امپریالیستهای فرانسه ، ژاپن و آمریکا مبارزه کرد ، خلقی که نسل جوان آن در جنگ متولد شده ، اما امروز در زیر سلطه شوم دولت ارتجاعی و وابسته به سوسیال - فاشیسم روس دست به گریبان فقر ، گرسنگی ، مرگ و میر و آوارگی است .

چرا ویتنام تبدیل به کانون تجاوز سوسیال - امپریالیستی بر علیه خلقهای هندوچین شد ؟

طی قرنهای دولتهای حاکم در ویتنام سودای تسلط بر هندوچین و بخصوص کامبوج را در سر میرورراندند و با توسل به زور و تجاوز قسمت‌هایی از خاک کامبوج را تصرف و ضمیمه خاک ویتنام کردند . حتی در میان کمونیست‌های ویتنامی گرایشات ناسیونال‌شونیستی (برتری‌طلبی ملی) و التقاتل‌آزادی ملی با سیادت برملل دیگر وجود داشت ، تا آنجا که در اکتبر ۱۹۳۰ در اولین نشست کمیته مرکزی حزب کمونیست ویتنام ، نام آن به حزب کمونیست هندوچین تغییر یافت و در تظاهرات آن شکل ملی جنگ آزادیبخش در لاوس ، ویتنام و کامبوج که در زیر سلطه امپریالیسم فرانسه بودند نفی گردید و از هندوچین بعنوان یک کشور " مستقل " نام بردند که ویتنام در رهبری آن میباشد . حتی در سالهای ۱۹۴۰ در مقاله‌ای در مجله بلنویک ارگان " حزب کمونیست هندوچین " (ویتنام) نوشته شده بود " کامبوج حق ندارد حزب کمونیست خود را به وجود بیاورد " .

پس از مرگ هوشی مینه ، با غالب شدن مسمی رویزیونیستی وابستگی به شوروی ، این گرایش شونیستی به جریان حاکم در درون حزب حاکم ویتنام تبدیل گردید و پس از پیروزی خلقهای هندوچین بر امپریالیسم آمریکا ، قدرت دولتی وسیله‌ای شد برای پیشبرد سرگرده - گزائی و تسلط بر تمام منطقه و ایجاد " فدراسیون هندوچین " . در کنگره چهارم حزب قطننامه‌ای را به تصویب رساندند که از جمله در آن آمده است " حزب باید با اتکاء به نیروی خارجی ، تمرکز کار را برای ایجاد صنایع سنگین بگذارد " و با هدف انقلابات در

عنوان کردند .

به این ترتیب اهداف توسعه - طلبانه رژیم شونیستی ویتنام در خدمت سطره جوئی سوسیال فاشیسم روسیه برای تسلط بر هندوچین و دست یافتن به تنگه مالاکا و کشورهای تایلند ، مالزی ، فیلیپین ، اندونزی ، سنگاپور و محاصره چین درآمد .

در دوران جنگ آزادی بخش زمانی که جبهه آزادی بخش ویتنام جنوبی و ارتش ویتنام شمالی در اثر سیاست " دهکده های استراتژیکی آمریکا " در تنگنا افتاده بودند ، با موافقت سپهانوک که از جنبش رهایی بخش کامبوج تحت رهبری حزب کمونیست دفاع میکرد ، بیش از یک میلیون نفر از ویتنامیها تا سال ۱۹۷۴ در داخل خاک کامبوج مستقر شدند . اما رهبران ویتنام بیشترمانه از این سخاوت خلق کامبوج سوء استفاده کرده در آن منطقه ویتنامی کوچک ساختند ، ادارات و نیروی نظامی خود را بوجود آوردند ، حتی دست به ایجاد حزب " کمونیست " قلابی زدند که مورد تنفر مردم قرار گرفت و بوسیله حزب کمونیست کامبوج در هم شکسته شد ، یکماه پس از پیروزی بر آمریکا علیرغم درخواست کامبوج مبنی بر دادن فرصت یکماهه برای ترک نیروهای ویتنامی مستقر در شرق کامبوج و دعوت به گفتگو بین هیئت نمایندگی دو کشور ، ویتنام نه تنها از شرکت در این جلسه خودداری کرد بلکه در اوائل خرداد ۱۳۵۳ (دو ماه پس از پیروزی بر آمریکا) اشغال قسمت وسیعی از شرق کامبوج که دماغه طوطی را نیز شامل میشد ، تدارک دید و جزیره " کوه‌وای " را که در جنوب شرقی کامبوج قرار دارد به تصرف درآورد .

در اوایل خرداد ۱۳۵۳ پس از تلاشهای پیگیر حزب کمونیست کامبوج در جلسه هیئت نمایندگی دو کشور در هانوی ، کامبوج پیشنهاد بیجان دوستی و عدم تجاوز ، محترم شمردن استقلال ، تمامیت و حاکمیت ارضی دو کشور و عدم دخالت در امور داخلی یکدیگر را میدهد که رهبران ویتنام

عدم تجاوز ، پیمان دوستی و ... رهبران خائن ویتنام دست از سیاستهای تجاوزگرانه و توسعه طلبانه خود برداشتند . و از شهریور ۱۳۵۴ تا اردیبهشت ۱۳۵۷ شش بار اقدام به کودتا کردند . که در اثر هوشیاری خلق و حزب کمونیست کامبوج به شکست انجام میدهند . در میان کودتا - گران " های سو " عضو کمیته مرکزی حزب " کمونیست " ویتنام دیده شده بود .

پس از شکست کودتا ها ، خرابکاریهای جاسوسان ، تحریکات و زد و خورد های مرزی و توطئه‌ها در ۲۲ دسامبر ۱۹۷۷ ویتنام بطور همه‌جانبه و استفاده از ۱۴ لکسر ، اقدام با اشغال کامبوج کردند اما مقاومت قهرمانه خلق کامبوج تحت رهبری حزب کمونیست طی حدود یازده ماه ارتش ویتنام بیش از ۵۰ هزار کشته داد .

اما این متجاوزین به شکست خود تن در نداده و با راهنمایی و کمکهای همه جانبه اربابان سوسیال - فاشیست خود به تدارک یک جنگ دامنه دار برداخته و برای توجیه اعمال کثیف خود ، با تکیه بر خائنین در کامبوج و پشتیبانی سوسیال - فاشیسم روس در تاریخ ۲ دسامبر ۱۹۷۸ (۱۲ آذر ۵۷) با اصطلاح " جبهه متحد ملی برای نجات کامبوج " را به رهبری هنگ سامرین میسازد و عجیب است که این " جبهه " تا تاریخ ۲۵ دسامبر یعنی ۲۲ روز بعد دارای ارتشی زنده متشکل از بیش از صد هزار سرباز و مجهز به ماشین و ابزار و ادوات جنگی و میگ‌های روسی ۱۹ ، ۲۱ ، ۲۳ و فانتوم‌های آمریکائی شد و حملات وحشیانه خود را برای سرنگون کردن دولت انقلابی کامبوج و سرکوب خلق آغاز کرد . و کیست که نداند این به اصطلاح جبهه همان نیروهای ارتشی ویتنام مستشاران روسی همراه با خائنین کامبوجی‌اند که برای مقاصد ارتجاعی و توسعه طلبانه خود و اربابان سوسیال - فاشیست‌ها دست به قتل عام خلق کامبوج زده‌اند .

جنایاتی که ارتش ویتنام در کامبوج مرتکب شده و می‌شود خاطر

کرده است . آنان روستائیان ۷۰ تا ۸۰ ساله را اعم از زن و مرد به درخت بسته و در مقابل دیگران چشمهایشان را بیرون می‌آورند و سپس با سرنیزه سوراخ سوراخشان میکنند ، جوانان را اخته میکنند ، به زنان (حتی بزنان ۵ ساله) آنقدر تجاوز کرده که بعضی از آنها دیوانه شده‌اند و در صورت مقاومت ، با سرنیزه کشته می‌شوند ، کودکان را نیز بی‌رحمانه می‌کشند ، بیمارستانها و مدارس را بمباران کرده حتی دامها را بوسیله مسلسل یا با ریختن بنزین به آتش کشیده و نابود می‌سازند و ...

رژیم ویتنام این جنایات را در حالی انجام میدهد که خلق ویتنام در کشور خود پس از سالها مبارزه برای آزادی ، در شرایط سختی زندگی میکنند . قحطی ، گرسنگی و مرگومیر بوده و هر روز شدت بیشتری می‌یابد . تا آنجا که رهبران هانوی مجبور به اعتراف این موضوع شدند . تفسیر روزنامه " نان دان " ارگان حزب " کمونیست " ویتنام در سپتامبر ۱۹۷۹ از قطننامه پلنوم کمیته مرکزی حزب ، گویای این حقیقت است :

" مواد غذایی و اشیاء مصرفی عادی نایابند . شرایط زندگی زحمتکشان بسیار طاقت فرسات ، مدیریت اقتصادی دچار اختلال است " .

ارتش تجاوزگر ویتنام افراد ۱۵ تا ۴۵ ساله را به سرباز خانه‌ها کشیده ، سال افزایش داده ، و ارتش ۲ میلیونی بیش از شش میلیون نفر یعنی ۱/۸ جمعیت ویتنام گردیده است . در حال حاضر صدها هزار ویتنامی از کشور خود گریخته و در کشورهای مجاور آواره‌اند .

ویتنام علاوه بر مشکلات درونی ناشی از خیانت و وابستگی خود ، در کامبوج با مقاومت دلیرانه نیروهای میهن پرست تحت رهبری حزب کمونیست نیز روبرو است .

حزب کمونیست کامبوج توانست علیرغم اشتباهات پس از پیروزی بر امپریالیسم آمریکا ، بخاطر چپ‌روی و عدم توضیح کافی در مورد سیاستهای خود ، به دهقانان و اهالی روستاها و از طرفی فعالیت شدید جاسوسان و خرابکاران ویتنامی ، روسی و در نتیجه مخدوش شدن تضاد بین خلق و ضد خلق ، امر نوسازی کشور ویران و قحطی زده کامبوج را به پیش برده و از اشتباهات خود درس آموزی کرده ، در جهت وحدت فشرده تر با سپهانوک و دیگر نیروهای ملی و مترقی گام بردارد .

رویدادهای اقتصادی

گاز صادراتی به شوروی در داخل مصرف میشود

سخنگوی وزارت نفت در روز ۱۷ فروردین اعلام کرد بعد از آنکه هیئت نمایندگی شوروی در مذاکرات خود از پرداخت حقوق حقه ملت ایران خودداری کرد و با توجه به تأیید شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران و برای حفظ منافع و حیثیت ملی ترجیح داده شد که صدور گاز به کشور شوروی قطع شود. لذا از طرف وزیر نفت به شرکت ملی گاز ایران ابلاغ شد که شدیداً مراتب نمایندگی که گاز ایران به شوروی صادر نشود. و تأکید شده است که گاز را در داخل مصرف خواهیم کرد و برای استفاده گازهای اضافی در داخل کشور اولویت به شهرهای کوچک و روستاها داده شود.

زیرا رساندن گاز به شهرها و روستا های ایران به مراتب بهتر از فروش ارزان آن به شوروی می باشد.

وزیر نفت تأکید کرده است که برای اینکه گازهای اضافی در داخل کشور مصرف شود شرکت گاز باید برنامه ضربتی خاصی تهیه و برای وزارت نفت ارسال دارد که فوراً اجرا شود.

استفاده از منابع گاز کشور و به خصوص گازی که به شوروی صادر می شد و رساندن آن به شهرها و روستا های کشور اقدام مثبتی است که علاوه بر اینکه سوخت ارزان و مناسب در اختیار مردم و صاحبان صنایع قرار می دهد می تواند ایجاد اشتغال نماید.

حالا که دولت جمهوری اسلامی تصمیم گرفته صدور ارزان گاز به روسیه امپریالیستی را قطع کند و در شرایطی که کشور شدیداً نیازمند گاز است، فعالیتهای ترم بخش اقتصادی است، لوله کشی گاز به نقاط مختلف کشور می تواند جوابگوی بخشی از مسائل کشور باشد.

همکاری ایران و پاکستان در حمل و نقل هوایی

جهان سوم سبب میشود که تا حدی از زیر نفوذ امپریالیستهای خارج شوند و باعث گسترش و تحکیم اتحادیه جهان سوم خواهد شد و خواه نا خواه این قبیل فعالیتها با منافع انحصارات امپریالیستی که میخواهند همه چیز را منحصر به خود کنند در تضاد قرار میگیرد.

جهان سوم نیروی اصلی در مبارزه با سلطه طلبی و سرگردانی دوا بر قدرت بوده و ستون فقرات مبارزه ضد امپریالیستی است. هر قدر در جهان سوم بیشتر بتوانند بندهای وابستگی خود را از امپریالیستها و بویژه دو ابر قدرت بگسلند ورشته های ارتباطی میان خود را محکمتر کند به رشد و تقویت جریان استقلال طلبانه و تضعیف امپریالیسم کمک خواهد کرد.

گزارش یک روزنامه پاکستانی شرکت ملی هواپیمایی ایران و شرکت هوا پیمایی پاکستان به منظور حمل و نقل کالادر خطوط بین المللی یک موسسه مشترک ایجاد خواهند کرد. بر مبنای این طرح که مراحل ابتدایی خود را میگذراند قرار است دو کشور پنج هواپیمای بوئینگ ۷۲۷ خریداری نمایند.

مسئله حمل و نقل بین المللی یکی از رشته های حیاتی بازگانی بین المللی بخصوص در زمینه های هوایی و دریایی است. تقریباً تمام کشورهای جهان سوم برای صادرات و واردات خود متکی به خطوط حمل و نقل دریایی و هوایی امپریالیستها هستند. شکل گیری این قبیل همکاریها در میان کشورهای

خانم گاندی از گذشته درس نگرفته است

اساس سیاست خارجی دولت هندوستان در دوران حکومت ۱۵ ساله خانم گاندی اتخاذ سیاست مدارا جوئی و گرایش به سویال یا امپریالیسم شوروی بجای سیاست عدم تعهد به ایر قدرتها را تشکیل میداد. خانم ایندیرا گاندی همین سیاست را در دوره دوم زمامداری خود اجرا کرده و بار دیگر دست دوستی و همکاری بسوی شوروی واقفارش دراز میکند. وزیر خارجه گوپالا سه روز قبل در کابل پایتخت کابل ملاقات کرده و سپس برای مذاکره با گاندی به هندوستان میروند. در این گردهم آیی "فام وان دون" نخست وزیر ویتنام روس زده و نیکیلای گریسبین معاون وزارت امور خارجه آریاب بزرگ نیز شرکت میکنند. هدف کنفرانس توطئه علیه جنبش استقلال طلبانه مردم افغانستان و جلب کشورهای غیر متعهد برای حمایت از دولت دست نشانده ببرک کارمل میباشد.

اتخاذ چنین سیاستهایی از طرف خانم گاندی او را بسرنگونی مجدد سوق میدهد.

خانم ایندیرا گاندی همچنان بر سیاست مدارا جوئی در مقابل سویال امپریالیسم و اعمال فشار بر روی خلقهای هندوستان یا فشاری میکند و بنظر میرسد وی از برکناری اجباری خود در سال ۱۲۵۵ بدنبال اوج گیری جنبش اعتراضی مردم هندوستان علیه خودگامگی و فساد دولتی حکومت وی درسی نیا موخته و همان اشتباهات گذشته را تکرار میکند.

سیاست داخلی خانم گاندی ادامه همان کارنامه سیاه سالهای گذشته وی است: اعمال فشار و دیکتاتوری و سرکوب جنبشهای مطالباتی و سیاسی. در مدت سه ماه اخیر زمامداری خانم گاندی مآ شاها اعلام حکومت نظامی و سرکوب مردم آیالت آسام میباشد. در روز جمعه هفته گذشته تعدادی دانشجو بسوی ایرانی، عراقی و مصری در مقابل سفارت مصر در هندوستان به گلوله بستند.

روس نامه «مردم» مشتری کاریکاتورهای «صبح آزادگان»!

آگاهی سیاسی آنها را در رابطه با خطرات ابر قدرتهای شرق و غرب بالا برد. متأسفانه بعد از چند ماه می بینیم بسیاری از مطالبی که در "آزادگان" منتشر می شود، زمینه را برای استفاده تبلیغاتی مزدوران روسیه آماده می کند. چنانکه روس نامه "مردم" خصوصاً از کاریکاتورهای این روزنامه استفاده وسیع علیه دولت و رئیس جمهور و خط نه شرقی نه غربی و... تبلیغ می کند، با یک نگاه بدروس نامه های اسفند ماه می بینم از ۲۰ کاریکاتور چاپ شده از روزنامه های مختلف ۱۳ تائی آن متعلق به روزنامه "آزادگان" است.

جندی پیش روزنامه آیندگان به علت تبلیغ خط شرقی (بجای نه شرقی نه غربی) و تبلیغ علیه دولت ملی و حرکت نکردن در جهت انقلاب، با اعتراض شدید نوده ها تعطیل و در اختیار بنیاد مستضعفین قرار گرفت. چند ماه بعد این روزنامه با نام "صبح آزادگان" و تحت سرپرستی بنیاد مستضعفین دوباره منتشر شده است. در انتظار مجدد، مردم انتظار داشتند در این شرایط حساس که ایران در معرض خطر و تجاوز دو ابر قدرت است. این روزنامه به افشای نقشه های دو ابر قدرت و اعمالشان پرداخته

